

اعلامیه مطبوعاتی

حکام مسلمانان دنباله‌رو دزد دریایی امریکا، ترامپ بوده و هیچ راه نجاتی از وی نمی‌یابند!
(ترجمه)

حکام مسلمانان مصداق این گفته‌ی الله سبحانه و تعالی‌اند:

(صُمُّ بَكْمٌ عُمِّي فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ) [البقرة: 18]

ترجمه: گر اند، لال‌اند، کور اند؛ از این‌رو (از گمراهی خود) باز نمی‌گردند.

رئیس‌جمهور امریکا، ترامپ، به تاریخ ۲ مه ۲۰۲۶م در ویست پالم بیچ فلوریدا سخنرانی‌ای ایراد کرد که محور آن جنگ علیه ایران و محاصره دریایی بود. او در این سخنرانی از ناوگان دریایی امریکا تمجید نمود و عملیات توقیف کشتی‌های ایرانی را با تعبیر «ما نوعی دزد دریایی هستیم» توصیف کرد. همچنان بر نابودی اردوی ایران و محاصره بندرهای آن تأکید ورزید.

در مقابل، مجتبی خامنه‌ای، رهبر جدید ایران، روز پنج‌شنبه ۳۰ اپریل اظهار داشت که: «برای بازیگران خارجی در خلیج، جز در اعماق آب‌های آن، جایی وجود ندارد». این اظهارات پس از گذشت بیش از هفت هفته از اعلام گماشته‌شدن او به‌عنوان رهبر جدید ایران، در پی ترور پدرش مطرح گردید؛ در حالی‌که مردم ایران تا کنون نه او را دیده‌اند و نه صدایش را شنیده‌اند.

در پیامی که به او نسبت داده شده، آمده است: «ما و همسایگانمان در خلیج فارس و دریای عمان، سرنوشت مشترکی داریم؛ و بازیگران خارجی که از هزاران کیلومتر دورتر با نیت‌های آزمندانه می‌آیند، هیچ جایی در این منطقه ندارند، مگر در اعماق آب‌های آن».

این پیام در زمانی منتشر شد که ترامپ خود را برای تحمیل یک محاصره درازمدت بر بندرهای ایران آماده می‌سازد؛ محاصره‌ای که آن را ابزار اصلی فشار برای وادار ساختن ایران به ازسرگیری مذاکرات با هدف پایان‌دادن به جنگ می‌داند.

با وجود آن‌که ترامپ آشکارا اعتراف می‌کند که یک دزد دریایی است و در مسیرهای آبی و کشتی‌های در حال حرکت در بحار مسلمانان دست به راهزنی می‌زند، باز هم حکام مسلمانان در پی جلب رضایت او هستند. با آن‌که همگان می‌دانند که دزدان دریایی توان مقابله با قدرت‌های حقیقی دریایی را ندارند و آنان خارج از قانون، عرف بین‌المللی و ارزش‌های انسانی عمل می‌کنند؛ اما رژیم‌های حاکم در سرزمین‌های اسلامی همچنان از این دزد دریایی هراس دارند و او را قدرتی شکست‌ناپذیر می‌پندارند!

پس بعد از این اعتراف صریح خود دزد دریایی، دیگر چه چیزی لازم است تا حقیقت برای همگان روشن گردد؟ در حالی‌که برای هر صاحب بصیرتی آشکار شده که دولت استعمارگری که پشت سر این دزد دریایی قرار دارد، نتوانسته نبرد خود را با سرزمین اسلامی که دهه‌ها زیر فشار تحریم‌های بین‌المللی قرار داشت، یکسره سازد؛ تحریم‌هایی که تا حد زیادی مانع شکل‌گیری قدرتی متناسب با توانایی‌های مردم آن سرزمین شده بود.

اگر در میان رژیم‌های حاکم بر سرزمین‌های اسلامی، اندک استقلالی در تصمیم‌گیری وجود می‌داشت، بی‌تردید از این فرصت طلایی برای رهایی از استعمار غرب استفاده می‌کردند و می‌توانستند به‌جای افتادن در آغوش امریکا گاهی و در آغوش بریتانیا یا روسیه گاهی دیگر، یک قدرت بزرگ جهانی را پایه‌گذاری نمایند.

اما پافشاری این رژیم‌ها بر وابستگی دایمی به کافر استعمارگر، بدون آن‌که حتی اندیشه‌ی رهایی را در سر پیورانند، ثابت می‌سازد که آنان هیچ پیوندی با این امت ندارند. این‌ها رژیم‌های وظیفه‌ای‌اند که هرگز از ارباب خود جدا نمی‌شوند؛ همان اربابی که آنان را به‌عنوان دزد و راهزن بر امت، مقدرات و عقاید آن گماشته است.

این وضعیت به‌روشنی ثابت می‌کند که تنها حزب التحریر، صاحب طرح خلافت بر منهج نبوت، دارای دیدگاه شرعی برای آزادی‌سازی امت از سلطه کافر استعمارگر و تحقق وحدت امت در سایه خلافت است. همچنان تنها همین حزب است که از آگاهی سیاسی و دوراندیشی لازم برای اداره امور امت و حتی بشریت برخوردار می‌باشد.

از همین‌رو، بر مخلصان اهل قوت و نصرت واجب است تا به این حزب نصرت دهند تا خلافت راشده دوم بر منهج نبوت برپا گردد؛ خلافتی که آنان و امت‌شان را از هیمنه کافر استعمارگر رهایی می‌بخشد و بشریت را با اسلام عظیم رهبری می‌کند.

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر